

# نقد و بررسی موقعیت قرآن کریم هنگام رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دائرة المعارف اسلامی

**چکیده:** در بخشی از مقاله قرآن دائرة المعارف کوتاه اسلامی Shorter Islamic Encyclopedia به زبان انگلیسی، (قسمت ۷ و ۸، ص ۲۷۷ و ۲۷۸) نویسنده به بیان موقعیت قرآن هنگام رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله پرداخته و می‌نویسد: وضعیت قرآن در آن زمان به طور دقیق مشخص نیست. برخی از روایات بر اینکه قرآن به صورت کامل (مجموعه نهایی) جمع نشده بود دلالت دارد در حالیکه برخی از روایات بیان می‌کنند که بخش زیادی (نه همه) از قرآن در آن زمان نوشته و ثبت شد.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب از دست رفتن بسیاری از قراء، عمر بن خطاب، ابوبکر را وادار به جمع قرآن کرد. در نهایت مجموعه‌ای با سرپرستی زید بن ثابت فراهم آمد که نزد ابوبکر بود و پس از او به عمر و سپس به حفصه داده شد. در انتهای مطلب، نویسنده می‌نویسد: اگر این مجموعه ماخذ و معتبر بوده، چرا به حفصه سپرده می‌شود. این مقاله ضمن ترجمه این مقاله به نقد آن پرداخته است.

روش این تحقیق به صورت گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای و تبیین آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. موارد ذکر شده در متن دایرة المعارف قسمت فسمت ذکر و نقد آن بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، پیامبر، دائرة المعارف اسلامی.

دکتر نهله غروی نائینی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

Naeeni\_n@modares.ac.ir

رقیه کاظمی تبار

(نویسنده‌ی مسئول)

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

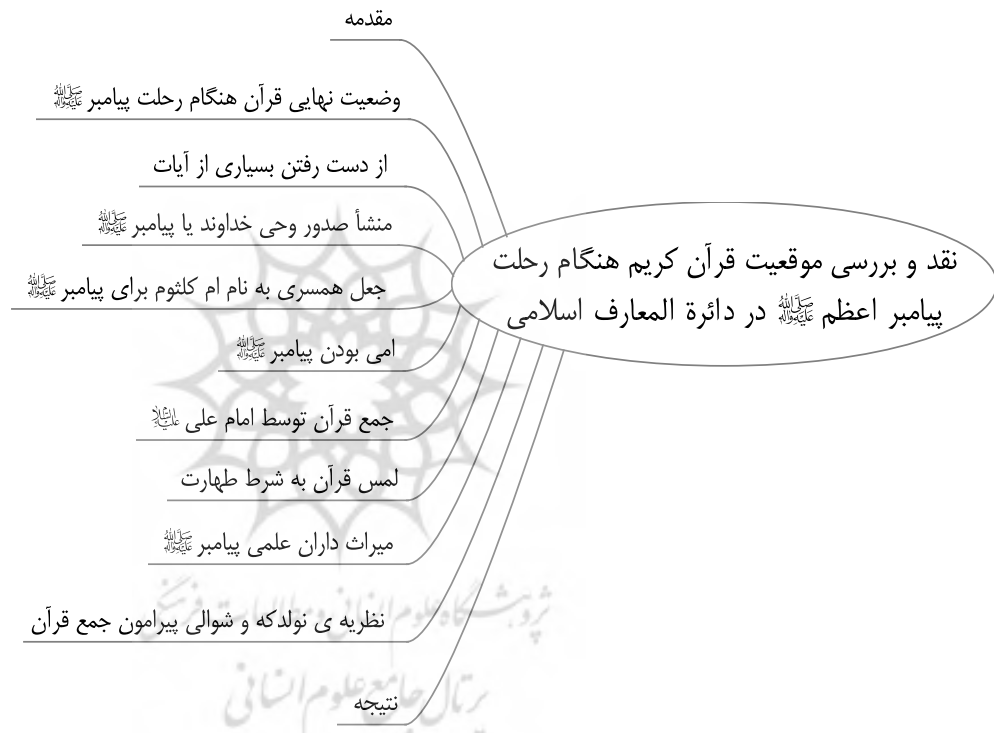
دانشگاه تربیت مدرس

kazemi\_tabar@yahoo.com

پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۹۴/۰۸/۲۸

پذیرش: ۹۴/۱۱/۳۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

چگونگی تدوین قرآن، ترتیب چینش آیات و سوره‌های قرآن کریم در عصر پیامبر ﷺ و پس از آن از جمله بحث‌های مهم علوم قرآنی است که درباره‌ی آن نظرات و آراء گوناگون ارائه شده است. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. آیات و سوره‌های قرآن در زمان پیامبر ﷺ پراکنده بود و ترتیب مشخص نداشت و بعد از رحلت آن حضرت مرتب شد.

۲. آیات قرآن در زمان پیامبر ﷺ در سوره‌ها جمع و مرتب گشته ولی سوره‌ها ترتیب خاصی نداشتند و پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتب شدند.

۳. آیات و سوره‌ها در زمان پیامبر ﷺ دارای ترتیبی توقیفی بودند و پس از رحلت رسول الله ﷺ فقط در میان دفتین قرار گرفت.

اکثر علما نظر اول را نمی‌پذیرند و معتقدند که آیات قرآن کریم در زمان رسول الله ﷺ مرتب شد. اما در اینکه سوره‌ها نیز مرتب بوده یا نه اختلاف نظر دارند.

آن‌ها که معتقد به جمع و ترتیب سور قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ هستند- نظریه‌ی دوم- به روایات جمع قرآن در عهد ابوبکر استناد می‌کنند و نظرات دیگران را مردود می‌دانند. از سوی دیگر افرادی معتقدند که آیات و سور قرآن در زمان رسول الله ﷺ دارای ترتیبی توقیفی بودند، اما بین دفتین قرار نگرفته بود. پس از رحلت آن حضرت، این کار به وسیله‌ی صحابه رخ داد. دانشوران در اثبات این نظریه، استدلال‌های قوی و شواهد محکمی ارائه می‌کنند و نظر مخالفان را با قوت رد می‌کنند. برخی از این منابع عبارتند از: البرهان (زرکشی)، البیان فی تفسیر القرآن (آیت الله خویی رحمته)، مقدمه

تفسیر الحدیث (دروزه)، تاریخ قرآن (رامیار)، پژوهشی در تاریخ قرآن (سید محمد باقر حجتی)، کاوشی در تاریخ قرآن (سید محمد علی ایازی).

روایتی که بر نام سوره‌ها در زمان پیامبر ﷺ دلالت دارند و نیز روایاتی که به ترتیب سوره‌ها در آن زمان اشاره دارند (مانند: سبع طوال، مؤین و...) از شواهد این نظریه‌اند که آیات و سوره‌های قرآن در حیات رسول الله ﷺ مرتب شده بودند لکن به صورت مجموعه‌ی میان دفتین در نیامده بودند. یکی از این روایات چنین است:

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند به جای تورات، سبع طوال و به جای زبور، مؤین و به جای انجیل، مثنی را به من مرحمت فرمود و بر مفصل امتیاز و برتری یافتم» (مقدمتان، ۱۹۷۲ م، ص ۲۳۵). بنابراین گفتار نویسنده‌ی مقاله از پایه بی‌اساس است.

ترجمه‌ی متن:

## ۲. وضعیت نهایی قرآن هنگام رحلت پیامبر ﷺ

اینکه وضعیت دقیق قرآن، هنگام رحلت (حضرت) محمد ﷺ چگونه بوده است؟ سؤالی است که نمی‌توان با اطمینان کامل به آن پاسخ داد. یعنی، تنها یک امر قطعی که به وسیله‌ی روایات آشکارا مشخص است این است که جمع‌آوری وحی‌ها در شکل نهایی‌اش موجود نبود. (سیوطی، ۱۳۶۳ ش، فصل ۷۱). زیرا تا زمانی که رسول خدا ﷺ زنده بود، وحی‌ها پیوسته به وحی‌های نخستین افزوده می‌شد.

### نقد

این گفته در صورتی درست است که به عقیده‌ی نگارنده‌ی مقاله، تا مدت‌ها پس از نزول، وحی نوشته نشده باشد و پس از مدتی مسلمانان به نوشتن و جمع قرآن توجه کرده باشند. این نظر درست نیست زیرا که هر وحی‌ای نازل می‌شد، رسول خدا ﷺ دستور می‌داد تا کاتبان وحی بنویسند. ترمذی در جامع صحیح و یعقوبی در تاریخ خود، نقل کرده‌اند:

هرگاه بر پیامبر ﷺ آیه و سوره‌ای نازل می‌شد، می‌فرمود: آنها را بنویسند و درباره‌ی آیات پراکنده می‌فرمود: «این آیه را در فلان سوره قرار دهید». (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۲؛ یعقوبی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲، ص ۴۳).

نیز مسلم است که رسول خدا ﷺ افرادی را برای نوشتن آیات نازل شده معین کرده بود که این افراد به نام کاتبان وحی مشهور بودند. آورده‌اند که تعداد این افراد حدود چهل تن بوده است (بلاذری، ۱۴۰۲، ق، ص ۶۶۲، زنجانی، بی‌تا، ص ۴۲). چنان‌که از زیدبن ثابت انصاری نقل شده که گفت: من همواره وحی را برای رسول خدا ﷺ می‌نوشتم. هرگاه وحی نازل می‌شد، در سختی تکه استخوانی می‌آوردم و در حالی که پیامبر ﷺ املا می‌کرد، می‌نوشتم... چون از نوشتن فارغ می‌شدم، رسول الله ﷺ می‌فرمود: بخوان، می‌خواندم و در صورت لزوم آن حضرت تصحیح می‌کرد (هیثمی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱، ص ۱۵۲). سیوطی نیز آورده است: جبرئیل همواره می‌گفت: این آیه یا سوره را در فلان جا قرار بده (سیوطی، ۱۳۶۱، ش، ج ۱، ص ۶۲). از طرف دیگر فرمایش رسول خدا ﷺ پس از حجة الوداع در غدیر خم که فرمود: «یا ایها الناس انی ترکت فیکم ما ین أخذتم به لن تضلوا: کتاب الله و عترتی اهل بیتی». ترمذی و نسایی از جابر نقل کرده‌اند و کنز العمال نیز از آن دو نقل کرده است. موارد شبیه آن: (متقی هندی، ۱۹۹۳، م، حدیث ۸۷۴؛ سیوطی، ۱۴۱۱، ق، ج ۲، ص ۶۰) نشانگر این است که (کتاب الله) یک مجموعه موجود بود که پیامبر ﷺ فرمود: «آن را برایتان می‌گذارم». اگر تنها قرآن در سینه‌های مردم بود، معنا نداشت که بفرماید: «آن را برای شما می‌گذارم».

### ۳. از دست رفتن بسیاری از آیات

اما از سوی دیگر، همه چیز اشاره دارد به اینکه در آن لحظه، قسم بسیاری از قرآن [نازل شده] بعدی باید پیش از این ثبت شده باشد. در دوره‌ی نخستین تبلیغ [پیامبر ﷺ] احتمالاً سخنان وی، پس از آنکه چندین بار آنها را به زبان می‌آورد، در ذهن شنوندگانش محفوظ می‌شد و احتمالاً به دلیل اهمیت ثابت ماندن کلماتش صرفاً به تدریج به آنها نازل می‌شد. ما باید این قسم را در نظر بگیریم که مقدار نسبتاً زیادی، به ویژه از وحی‌های نخستین از دست رفته است.

## نقد

با توجه به توضیحات نقد قبل، نادرستی این گفتار آشکار است، علاوه بر اینکه این سخن قائل به تحریف قرآن است که به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست. گزارش‌های کتاب‌های گذشتگان حاکی از آن است که رسول الله ﷺ کاتبان وحی داشتند که هرگاه آیاتی از قرآن نازل می‌شد آن جناب به آنان می‌فرمود تا ثبت کنند. نقل ابن حجر هیثمی درباره‌ی اسلام آوردن عمر بن خطاب که در خانه‌ی خواهرش دو صحیفه پیدا کرد که در آنها بخشی از قرآن نوشته شده بود، نیز دلیل بر وجود قرآن نوشته شده است (هیثمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۹، ص ۶۳). سیوطی نیز می‌نویسد: احمد بن حنبل، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن حبان و حاکم روایتی از ابن عباس نقل کرده‌اند که به عثمان گفته است: چه چیز سبب شد که سوره‌ی انفال که از مثنائی است و برائت را که از مؤین است بدون گذاشتن فاصله ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ به دنبال هم آوردید؟ عثمان پاسخ داد: سوره‌ها برای پیامبر ﷺ که نازل می‌شد شماره داشت و هرگاه که آیاتی بر آن حضرت نازل می‌شد برخی از کاتبان را فرا می‌خواند و می‌فرمود: این آیات را در فلان سوره که در آن فلان مطالب آمده است، قرار دهید (سیوطی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ۲۱۲).

روایاتی اشاره دارد که در پشت محل خواب رسول خدا ﷺ نسخه‌ای از قرآن وجود داشت که آن را روی شاخه‌های خرما، حریر و استخوان کتف شتر نوشته بودند (سیوطی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، صص ۵۷-۵۸).

## ۴. منشأ صدور وحی خداوند یا پیامبر ﷺ

عبارات هم‌چون آیه‌ی ۶ به بعد سوره‌ی الأعلى که می‌فرماید: ﴿سنقرئک فلا تنسی، الا ما شاء الله...﴾ ما تو را قادر خواهیم کرد که سخنان را ایراد کنی و تو باید فراموش کنی تنها آنچه را که خداوند بخواهد. و یا آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی بقره که می‌فرماید: ﴿مانسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها...﴾ یعنی: اگر ما سبب شدیم تو آیه‌ای را فراموش کنی. قرائت ﴿ننسخها﴾ مطمئناً یک تصحیح متعصبانه است. به طور واضح می‌گویند که اظهارات از جانب خداوند نوشته نشده بود.

## نقد

نویسنده، «فلاتنسی» را (فلتنسی) ترجمه کرده در نتیجه به جای عبارت (تو فراموش نکنی) گفته: (تو باید فراموش کنی) که اشتباه است.

### ۵. جعل همسری به نام ام کلثوم برای پیامبر ﷺ

اما این از زمانی که آنها احساس کنند که مجبورند وحی‌های الهی را به وسیله‌ی نوشتن آنها می‌توانند، ایمن سازند، خیلی دور نیست و فهم این مطلب آسان است که مواد موجود و دم دستی هم چون استخوان کتف، برگ خرما، سنگ و غیره به کار برده می‌شد، همان‌گونه که در داستان‌های مجموعه‌های بعدی از قرآن برایمان نقل شده است. آنچه از دانش هنر نوشتن، در مکه و مدینه به ما گفته شد (بلاذری، چاپ degoeje، ص ۴۷۱-۴۷۳، نک: گلدزیهر، Muh. stud. ص ۱۱۰). دارای ارزش زیادی نیست، گرچه داستان بدون جذابیت (منفعت) نیست که در میان همسران پیامبر حفصه و ام‌کلثوم می‌توانستند بنویسند و عایشه و ام‌سلمه می‌توانستند بخوانند اما نمی‌توانستند بنویسند.

## نقد

نویسنده در گزارش اجمالی از توانایی خواندن و نوشتن همسران پیامبر ﷺ، نام ام‌کلثوم را ذکر کرده که اشتباه است و چنین نامی در میان همسران رسول خدا ﷺ نیست. نام همسران پیامبر در منابع به طور دقیق آمده است (ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۰۰).

### ۶. امی بودن پیامبر ﷺ

اگرچه شکی نیست که در شهر تجاری و با اهمیت مکه با ارتباطات بین‌المللی اش کسانی که کمابیش خوب بنویسند کم نبودند - بر طبق کتاب تاریخ مکه الازرقی، ویرایش وستنفلد، ص ۱۰۲ و غیره. مدارک و اسناد در این زمینه پیش از اسلام آماده شده بود- و این قطعیت هست که در آنجا یا بعدها در میان مردم مدینه، کسانی که وحی‌های محمد ﷺ را

می‌نوشتند، کم نبودند. بنابراین اینکه آیا خود پیامبر ﷺ می‌توانست بخواند یا بنویسد، اهمیت کمتری دارد. با وجود این، این سؤال مشتاقانه توسط مسلمانان اما صرفاً از دیدگاه‌های متعصبانه و معمولاً با استفاده نادرست از اصطلاح «امی» به بحث کشیده شد.

از عبارات مکی، آیه‌ی ۴۸ از سوره‌ی العنکبوت ﴿و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطه بيمينک اذا لارتاب المبتلون﴾ ممکن است نتیجه گرفته شود که او فقط در اواخر زندگی اش یاد گرفت. اما اصطلاح مبهم است و احتمالاً صرفاً به خواندن متون مقدس اشاره دارد. بنابراین از همه مهم‌تر، متن آیه ۵ سوره‌ی الفرقان است: ﴿و قالوا اساطير الاولین اکتبها فہی تملی علیہ بکرۃ و اصیلاً﴾ جایی که مخالفان اش می‌گویند: اینها چیزی نیستند جز افسانه‌های قدیمی که او نوشته است یا وادار کرده که بنویسند و آنها به او هر صبح و شام دیکته می‌شدند. در هر حال چنین اظهاراتی بیشتر به مطلب جمع شده توسط پیامبر ﷺ اشاره می‌کنند تا اینکه به صورت مستقیم به خود اظهارات آن حضرت اشاره داشته باشد. اما هنگامی که محمد ﷺ سوره‌ی هود آیه‌ی ۱۳: ﴿ام یقولون افتراه قل فاتوا بعشر سور مثله مفتريات...﴾ مخالفانش را به چالش کشاند تا ده سوره شبیه سوره‌های او آن حضرت ﷺ بیاورند. این به حقیقت متضمن این است که آن سوره‌ها برای مقایسه به صورت نوشته شده موجود باشند. این با آنچه قبلاً از نسخ قراردادی سخنان نخستین ذکر شد واضح‌تر نشان داده می‌شود، چراکه اگر آنها (سوره) فقط شفاهی بوده‌اند به (نسخ) نیازی نبود. در داستان تغییر مذهب عمر (ابن هشام، چاپ وستنفلد، ص ۲۲۶ به بعد) اشاره‌ای به صفحه‌ای از نوشته است، اما نمی‌توان روی چنین جزئیاتی در روایات تأکید زیادی کرد. محمد به عنوان حاکم در مدینه، توسط پیروان متعددی تعدادی مدارک تهیه کردند، چندین مدرک که به همراه یادداشتی از نویسنده نگهداری می‌شد (به و اقدی مراجعه کنید. ترجمه‌ی ویل هانسن، ص ۳۵ در نامه نخله) و بدیهی است که این به طور دقیق وضعیت وحی‌های بعدی بود به ویژه آنهایی که به مقررات قانونی اشاره می‌کنند. روایات (بلاذری ص ۴۷۲ به بعد، طبری، ویرایش degoeje ج ۱، ص ۱۷۸۲) از مکی‌ها و انصار نام می‌برند، کسانی که به عنوان کاتب به او کمک کردند، به ویژه دو نفر: ابی بن کعب و زید بن ثابت.

بر طبق داستانی غریب، برادر رضاعی عثمان، عبدالله بن ابی سرح اغلب به عنوان نویسنده‌ی وحی برای آن حضرت



کار می‌کرد و او افتخار اظهار با حرارت از او - پیامبر ﷺ - در گوش دادن به قرائت سوره‌ی المؤمنون را داشت که پیامبر ﷺ بر او دیکته کرده بود (این مطلب از کتاب بلاذری، ص ۴۷۳ و مفسران اقتباس شده است) بر طبق گزارش‌های دیگر (نک: و اقدی، ترجمه: و ل هوزن، ص ۵۵) او نزد قریش می‌بالید که اغلب وی موجب شده که پیامبر ﷺ آیات را تغییر دهد. سرانجام بدانجا رسید که گفتند: او - عبدالله بن ابی سرح - قرآن را تحریف کرده است (گلدزبهر، Dierichtungen، ص ۳۵).

## نقد

این بیان نویسنده بر اساس آیات شریفه ۳ و ۴ سوره النجم که می‌فرماید: ﴿ما ينطق عن الهوى، إن هو الا وحى یوحى﴾ پوچ و بی‌اساس است.

## ۷. جمع قرآن توسط امام علی علیه السلام

سرانجام ممکن است به شاهد مهمی در شعر شاعر برجسته محمد ﷺ، حسان بن ثابت، بعد از جنگ بدر اشاره کنیم (دیوان، چاپ هرشفلد، ص ۱۵) در شعری که او از خط وحی بر صفحه‌ای نرم (صاف) سخن می‌گوید که در اینجا باید قطعاً به معنی نوشتن وحی باشد. (نک: نولدکه، وین ۱۹۰۰ م، نسخه‌ی ۲). مخالفت این وضعیت کار فقط با برخی روایات مضمون عنه (ابن سعدی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۳ به بعد) بر طبق آن روایاتی که مردم گوناگونی، قبلاً در زمان حیات پیامبر ﷺ قرآن را جمع کردند، آشکار است. توضیح اینکه: کلمه‌ی جمع در اینجا مانند جاهای دیگر به معنی یاد گرفتن با قلب و دانستن است (نک: اتقان، فصل ۷۲).

این همان حقیقت درباره‌ی روایتی است که بعدها میان شیعیان شایع شد که علی علیه السلام خواست از بیعت ابوبکر خودداری کند تا زمانی که قرآن را جمع کند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۱ به بعد، عقد الفرید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۷۶). که در اصل به معنی حفظ کردن قرآن بود، اما بعدها اشتباه فهمیده شد. بنابراین نقل قولی ممکن است گفته شود که قابل اعتماد باشد که پراهمیت‌ترین عبارت تاریخ قرآن در عصر پیامبر ﷺ خواهد بود.

## نقد

مقصود نویسنده این است که علی علیه السلام قرآن را حفظ کرد، نه اینکه جمع نوشتاری کرد. او سعی دارد تا معنی جمع را حفظ کردن بداند تا چنین قضاوت کند که قرآن جمع شده نبود یا علی علیه السلام آن را قبل از ابوبکر جمع نکرد. در حالی که چنان‌که قبلاً گفتی: کاتبان وحی نسخه‌های قرآن داشتند که در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته بودند. ضمن اینکه علی علیه السلام در زمره‌ی کاتبان وحی پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است (زنجانی، بی تا، ۹).

گرچه نویسنده می‌نویسد: علی علیه السلام برای بیعت نکردن با ابوبکر به جمع قرآن پرداخت، لکن هم چنان که مشهور است حضرت علی علیه السلام فرمود: عبا بر دوش نگیرم جز برای نماز تا قرآن را جمع کنم. مقصود حضرت این بود که به هیچ کاری اقدام نخواهم کرد. مسأله‌ی بیعت ابوبکر مطلب مفصل دیگری بود که ربطی به جمع قرآن نداشت. زیرا جمع قرآن توسط امیرالمومنین علیه السلام، وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

## ۸. لمس قرآن به شرط طهارت

در نامه‌ی تعلیمی پیامبر صلی الله علیه و آله به عمرو بن حزم (ابن هشام، ۱۳۷۵ ق، ص ۹۶۱) و (نک: اسپربر Dieschreiben، ج ۱۴، ص ۲ و ۸۳) در میان مطالب دیگر آمده است: هیچ فردی نمی‌تواند قرآن را لمس کند مگر در حالت طهارت. اما کائتانی، Annali dell' Islam، ج ۱، ص ۳۱۹ یادداشت ۱، بدون شک درست می‌اندیشد که سازماندهی این سند در زمان بعدی تنظیم شده است.

## نقد

لمس قرآن با طهارت، آیه‌ی قرآن است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و عام است و شامل همه‌ی زمان‌هاست ﴿لا یمسه الا المطهرون؛ تنزیل من رب العالمین﴾ (الواقعه، ۷۹-۸۰). حدیث نیست که بتوان گفت که در زمان‌های بعدی جعل شده است.

## ۹. میراث داران علمی پیامبر صلی الله علیه و آله

با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وضع به کلی تغییر کرد. ارتباط وحی از جریان ایستاد و معتقدان به آن در مواردی که تردید داشتند، کسی را (پس از پیامبر صلی الله علیه و آله) نداشتند. زیرا کسی موهبت پیامبری محمد صلی الله علیه و آله را به ارث نبرده بود.

### نقد

منابع متعددی از شیعه و اهل تسنن با عباراتی شبیه هم نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ایها الناس انی ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا: کتاب الله و عترتی اهل بیتی» (ترمذی و نسایی از جابر نقل کرده‌اند و کنز العمال نیز از آن دو نقل کرده است. موارد شبیه آن: متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، حدیث ۸۷۴؛ سیوطی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۶۰ احیاء المیت). پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بازمانده از خویشان را معرفی کرد و فرمود که اگر به آنها متصل نشوید، گمراه می‌شوید، بنابراین گفته‌ی این نویسنده اعتباری ندارد. اهل بیت پیامبر چه کسانی جز دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش یعنی شوهرش و فرزندانش بود؟ فرزند دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن زمان در قید حیات نبود و روایت ام سلمه از جمع شدن این خانواده زیر کساء پیامبر حاکی از این است که زنان (همسران) پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت آن حضرت شمرده نشده‌اند زیرا وقتی از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال کرد که من در زمره‌ی اهل بیت نیستم؟ فرمود: تو به خیری (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۳، ص ۲۴۹). با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ارتباط وحی قطع شد لکن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله طبق حدیث غدیر ولی خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله برای سرپرستی و هدایت و اداره‌ی امور مسلمانان بودند و علمشان را از رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفته بودند. بنابراین در دانستن حقایق چیزی کم نداشتند.

## ۱۰. نظریه‌ی نولدکه و شوالی پیرامون جمع قرآن

در این صورت بیاناتی که توسط او باقی مانده بود، اهمیت بیشتری بدست آوردند، به سبب اینکه در این بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و یا فراتر از آن، خداوند از طریق پیامبر با امت‌اش سخن گفته است. در صورتی که می‌توانستند کلماتش را درست تعبیر (تفسیر) کنند. بنابراین مطلب مورد نیاز که جمع میراث ارزشمند پیامبر صلی الله علیه و آله بود، حتی الامکان در یک قالب

درست و کامل و حفظ کردن آن از نابودی، به طور طبیعی خود را نشان داد. این رویداد آشکار نیز با روایات تأیید می‌شود، اما متأسفانه در روشی بسیار مبهم رها می‌گردد.

مشهورترین نظریه (نولدکه - شوالی: ج ۲، ص ۲ به بعد را ببینید) انگیزه اولین جمع وحی را در شرایطی می‌یابد که بسیاری از کسانی که قرآن شناس بودند (قراء، خوانندگان (تالیان)، به معنای دیگر زاهدان پرهیزکار، مراجعه کنید: گلدزیهر، volesungen uverden Islam، ص ۱۸۹) در جنگ با پیامبر دروغین، مسیلمه، جان خود را از دست دادند. این مسأله این ترس را در عمر بن خطاب برانگیخت که ممکن است همه‌ی اطلاعات وحی از بین برود. بدین سبب او با مشکلاتی، ابوبکر را به شروع جمع بیانات پراکنده وادار کرد. این کار به کاتب مذکور در فوق (محمد)، زید بن ثابت سپرده شد. او همه‌ی مطالبی که بر روی مواد مختلف و اغلب بدوی نوشته شده بود و آنچه مردم در سینه‌هایشان (حافظه‌هایشان) حفظ کرده بودند را جمع کرد و آن را روی برگ‌های جدا نوشت. (صحف، جمع صحیفه، نوشته می‌شود: leaf) مجموعه‌ای که آن را به ابوبکر داد. پس از فوت ابوبکر، این کتاب به عمر رسید که او آن را برای دخترش حفصه به ارث گذاشت.

در این گزارش، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد این است که هیچ اشاره‌ای به نسخه‌ی رسمی که به دستور خود پیامبر ﷺ درست شده باشد، وجود ندارد، با اینکه آنها در هر صورت خطری را که مرگ قراء را تهدید می‌کرد، کاهش داده بودند.

علاوه بر این کائانی در کتاب دو جلدی‌اش: (Annalidell' Islam ج ۱، ص ۷۱۳) به این حقیقت توجه کرده که آنهایی که در جنگ با مسیلمه کشته شدند، طبق فهرست‌هایی که باقی مانده است، بیشتر تازه مسلمانان بودند که از هیچ‌کدام انتظار نمی‌رفت که اطلاع گسترده از قرآن داشته باشند. اگر همه داستان این چنین مبهم باشد، این مطلب اهمیت بیشتری دارد که احادیث دیگری وجود دارند، بر طبق آنها، عمر خود دستور به جمع قرآن داد و آن را سرپرستی کرد و حقیقتاً گفته‌ایم که عمر پیش از کامل شدن این جمع در گذشت. همان‌گونه که فهم این مطلب آسان‌تر است که

چرا این چنین کار با فضیلتی، می توانست از نظر تاریخی، زودتر انجام شده باشد که ابوبکر به جانشینش واگذارند. شاید درست بودن داستان دوم تا اندازه ای احتمالش بیشتر باشد، گرچه روشی عملی که گفته شده که عمر صحت بخش های جداگانه را آزمایش کرده است - اینکه دو منبع موثق آن را تأیید کنند - خیلی قابل اعتماد به نظر نمی رسد. مشارکت زید در این کار، یک امر مشخص در این داستان هاست. از سوی دیگر مشخصه ی مهم واقع بینانه این است که صحف به ملکیت حفصه در آمدند. اما این نکات بسیار مشکلات دیگری را به بار می آورد. اگر قرار بود که صحف، کتب خطی مأخذ (مورد قبول) و معتبر باشد، فهم این مطلب مشکل است که چرا به یک زن سپرده شد؟ G. Weil تصور می کند که قرار بود حفصه مراقب آن باشد. اما این کار می توانست از راه های دیگری با اطمینان بیشتری انجام شود و اگر این صحف قرار بود یک کتاب خطی مأخذ باشد از کدام نسخه باید تهیه می شد؛ کاملاً غیر قابل قبول بوده که کتاب نزد حفصه باقی بماند، زیرا هیچ فردی اجازه ورود بر بیوه پیامبر ﷺ را نداشته است. اشاره ای به این وثاقت یافت نمی شود. تمام کار با آزادی تام انجام شده بود، هم چنان که ما درباره ی نسخه های متعدد قرآن از قبل از زمان عثمان می شنویم.

## ۱۱. نتیجه

نویسنده ی مقاله با ارائه ی نظرات گوناگون سعی در بی اعتباری جمع قرآن و بیان ثابت نبودن قرآن دارد در حالی که وجود کاتبان وحی در حیات رسول خدا ﷺ که زید بن ثابت از نظر سن جوان تر از همه بوده است و سفارش پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب رضی الله عنه درباره ی جمع قرآن (یعنی قرار دادن آن بین دفتین) که مجموعه ی آن در پشت محل خواب آن حضرت بود، گویای این است که مجموعه ی قرآن در حیات رسول خدا ﷺ گرد آمده بود و علی بن ابی طالب رضی الله عنه مأمور به در کنار هم بشکل یک کتاب شدن آن بوده است که بین دو جلد قرار گیرد نه اینکه وضع قرآن مشخص نبوده و کسی هم نبوده که موهبت پیامبری داشته باشد.

## منابع

۲. ابن سعد، کاتب واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی تا.
۳. ابن عبدربه، احمد بن محمد؛ العقد الفرید، تحقیق: محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۴. ایازی، سید محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، رشت: کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش.
۵. بلاذری، یحیی بن جابر، فتوح البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۲ ق.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)؛ تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، مطبعه السنة المحمدیه، ۱۹۷۲ م.
۸. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۹. دروزه، محمد عزه، تفسیر الحدیث، دار الغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار الجیل، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. زنجانی، ابو عبدالله؛ تاریخ قرآن، بی تا، بی جا.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات رضی، بیدار، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۳. همو، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، دمشق: مؤسسه الرساله، ۱۹۹۳ م.
۱۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
۱۶. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تحقیق: عبدالأمیر مهنا، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.

18. Gibb, H. A. R and Kramers, J, H; Shorter Encyclopedia of Islam; Edited on behalf of the Royal Netherlans Academy, Leiden, E. j. Brill, 19.